

( اسبلا ) م چه \_\_\_\_\_ ه (دینیست ؟) )

( چه میگوید ؟ چه میخواهد ؟ )

بجهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست چه خوب بود که زوایای تاریک مغز خود را از وجود افکار و اندیشه های باس آور شسته و در راه اثبات و پذیرش حق آماده میشدیم ؟ و چه بجا بود که لحظه ای دور از همه تعصبات و ظاهر بینی، در پرتو عقل و روشنائی بیکران اندیشه از وجدان بی آرایش خود سؤال کنیم که اسلام چه دینیست ؟ و بر چه اصلی استوار است ؟ آیا دین حق است ؟ یا دین باطل ؟

در جواب اینکه اسلام دین حق است یا دین باطل کافیت که با چشم بصیرت لحظه ای با پیام اسفانگیز دوازده قرن و نیم پیش که حق طعمه یقماگران و راهزنان قرار گرفته بود بنگریم؛ کافیت که اندکی بعقب برگشته حوادث خونینی که حق و حقیقت را، هر آن در معرض فنا و نیستی قرار میداده است به بینیم؛ چه خونهای مقدسی بخاطر آبیاری نمودن نهال اسلام بر زمین ریخته شد ؟ در راه مستحکم نمودن پایه های این درخت کهنسال چه وجودهای شرافتمندی که هر یک بنوبه خود موجب مباحثات دین حنیف اسلام است در معرض تاخت و تاز جمعی سرکش وحشی قرار گرفتند؟ چه وجودهای قابل تکریمی که برای زنده نگه داشتن نام حق و آبیاری اسلام در پرتو تجلی بخش حق از همه چیز خود گذشتند ؟ به بینیم بخاطر که و برای چه؟ بخاطر اسلام و زنده نگه داشتن آن. اینها کسانی بودند که خود را بخاطر حق و حق را بخاطر حق میخواستند کسانی بودند که در آستان حق حتی از جان و مال خود نیز دریغ نکردند. زیرا آنچه که میخواستند چستند و آنچه را که بخاطرش هستی خویش فدا نمودند یافتند؛ و آن ذات اقدس الهی بود. مگر میشود که خود را فدای حق نمود؟ آری برای جاوید نمودن حق باید انسان خود را فدا کند تا حق با وحیات همیشگی بپنشد. خود را فدا کند برای اینکه در سر لرحه تاریخ، نام حق را برای همیشه با برجا بنماید؛ حضرت علی علیه السلام آن را دمرد بزرگ اسلام کشته نشد مگر بخاطر شناخت حق و ابقای حق؛ کشته نشد مگر بخاطر هموار نمودن راه وصول بحق که نسل آینده بهتر بتواند از مزایای آن بهره مند شود. کشته نشد مگر بواسطه انجام ندادن اعمال خلاف با حق و دیانت مقدس اسلام؛

حسین بن علی آن فرزند حق و حقیقت آن شهید گلگون کفن کربلا از دست رفت مگر بخاطر جاوید نگه داشتن اسلام و هدایت گمراهان. ابوذر شقاری آن مرد پا برهنه و لغت که از مال جهان جز تقوی چیزی نداشت نمرود مگر بخاطر اسلام یعنی دینی که دیگر برای ابلهان و متعصبان جای اعتراض و دست آویز نگذاشته است. سؤال میشود که این پیش قراولان نهضت اسلامی برای چه از همه چیز خود گذشتند و خود را تسلیم حق نمودند؟ بخاطر حقانیت اسلام؛ بخاطر اینکه بحق، معرفت بذات الهی پیدا کردند.

مگر این فرمایش حضرت علی علیه السلام نیست که میفرماید .

اول الدین معرفتہ و کمال معرفتہ التصدیق بہ و کمال التصدیق بہ توحیدہ و کمال توحیدہ الاخلاص لہ  
یعنی اساس دین معرفت بخداست . غایت معرفت بخدا تصدیق خداست . و غایت  
تصدیق خدا واحد دانستن خداست و غایت واحد دانستن ذاتش دوست داشتن و تسلیم  
شدن باوست باری: هر يك از اینها بنوبه خود دلایل مبرهنی است برگشتن و قبول  
داشتن اینکه اسلام دین حق است . اسلام دین سرنیزه و زور و ستم نیست . هر يك  
از این گفتار دلیل قاطعی است بر اینکه اذعان کنیم اسلام تاروپودش بروشنی  
پرفروغ حق هزین است و جز این نیست و هر کس که خلاف تصور کند راه  
ضلالت می پیماید . اسلام برحق استوار است و آورنده اش فقط قانع بحق و حق  
نیز نام خداست . اسلام دینی است حقیقت بین و معتدل . اسلام دینی است که پیروان  
خود را برای استفاده از مواهب الهی بحداعتدال دعوت میکنند . اسلام دینی است که  
جز توسعه و گسترش دادن راستی ، عدالت و انصاف و دادگستری و جوانسردی  
و شجاعت و تفوی و پاکیزگی و میانه روی و امور و دستگیری ضعیف و بیچارگان  
و رد امانات مردم نظری ندارد . اسلام دینی است که میگوید: ای مرد مسلم! هنگامیکه  
از مواهب دنیوی بحد اکثر متمتع شدی رد مظالم . خمس و زکوة ثروت خود را  
ببخش بآن کسیکه این مال بدو تعلق میگیرد . ای مرد متمول! اگر عمرت بیابان  
ناز و نعمت میکند بیاد آن هم باش که در زیر ساختمان سربفلك کشیده ات زانوی  
غم دربر گرفته و از بدبختی مینالد و زوزه میکشد!

اگر روزی صاحب قدرت و توانائی شدی . اگر روزی تکیه بر صندلی افتخار زدی دست ظلم  
و بیرحمی بملقوم ضعیف ، آن سرگشته ای که بغض اطرا حقایق حق خود بدو پیشگامت بتضرع آمده فرو  
میر و همواره خدا را شاهد و ناظر بدان . این اسلام بر این غر استه های اسلام . برادر! حال اگر من  
و تو از همه چیز بیزاریم . و همه امور را از دریچه کوتاه نظری مینگریم ، خط معی و نسیان بروی  
همه کائنات میزنیم باسلام چه؟ باید گفت . گر کجا کاهل بود تقصیر صاحبخانه چیست؟ اسلام دینی  
است جامع و کامل که ضعف و نقصان و فنا در او راه ندارد زیرا آورنده آن  
پیغمبر است که خاتم انبیاء است و این قولی است که پیشمیران اولوالعزم مانند حضرت  
عیسی تصریح فرموده که بعد از من پیغمبری خواهد آمد که اسم او احمد و دینش  
کامل و خود نیز خاتم انبیاء است این خاتم انبیاء چه شخصیتی است که بزرگترین  
فلاسفه دنیا بزرگیش اعتراف نموده و در آستان کبریا پیش سر تسلیم و تکریم فرود  
میاورد؟ این چه وجودیست که تمام انبیاء و اولیاء بوجودش فخر میکنند؟

این شخصیت بزرگ عالم انسانیت حضرت محمد مصطفی است که آورنده اسلام  
و بزرگترین معجزه اش قرآن است این محمد است که چرخ فلک سرگشته بزرگی  
اوست . این محمد است که توانسته است بکه و تنها با پیکر چهل و فساد و تباهی  
برای زنده نگه داشتن حق مبارزه نموده و دینی بوجود آورد که ضعف و نقصان  
در او راه نداشته باشد . امروز چهارصد میلیون مردم گیتی افتخار دارند که در زیر  
پرچم نصر من الله وفتح قریب اسلام با کمال میل و رغبت بفرامین محمدی تن در داده  
بگویند محمد رسول خدا و علی ولی خداست . والسلام